دو فصلنامهٔ علمی نقد ادب معاصر عربی
مقاله پژوهشی/ سال دهم/ بیست و یکم پیاپی/ ۱۹ علمی (۱۳۹۹)

تحلیل عناصر زیباشناختی در قصیده"طَرطَرا" اثر محمد مهدی جواهری با رویکرد هنجارگریزی نحوی و واژگانی

حجت رسولی[۱]، استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید بهشتی
سیده فیروزه حسینی، دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱٤ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

چکیده

به‌کارگیری انواع تکنیک‌های زبانی از سوی شاعران، با هدف ارائه یک اثر فاخر، امری است قابل تعمق. بسیاری از شاعران برای بیان مسائل جامعه با استفاده از انواع شگردهای زبانی، احساس و اندیشه خود را به مخاطب انتقال داده‌اند. از میان آنها می‌توان شاعر عراقی محمد مهدی جواهری را نام برد؛ اشعار او از حیث محتوایی و ساختاری در خور توجه است. اما باید دید جواهری از چه ابزارهای زبانی، برای ارائه‌ی اندیشه‌هایش بهره برده است؟ پژوهش حاضر کوشیده تا بر مبنای نظریه‌ی آشنایی‌زدایی و به روش تحلیلی- توصیفی، شواهدی از هنجارگریزی نحوی و واژگانی را در قصیده‌ی "طرطرا " از این شاعر ارائه دهد. نتایج حاصل نشان داده است فرهنگ غنی جواهری، تسلط او بر متون دینی قرآن و نهج البلاغه، احاطه‌ی او بر ادبیات کهن و برخورداری وی از علوم نحوی و دایره‌ی واژگانی گسترده، از مهم‌ترین عواملی هستند که موجب شدند تا جواهری از شگردهایی همچون اسالیب تکرار، تقدیم و تأخیر، ساخت ترکیبات جدید و کاربست واژگان کهن در جهت متفاوت‌ساختن زبان شعری‌اش بهره ببرد. او قصد دارد با برجسته‌نمودن پیام‌های متنی در قالب عباراتی خاص، ذهن مخاطب را به پیام‌های درونی متن رهنمون کرده و به تأمل بیشتری نسبت به اوضاع جامعه وا دارد و وجهه‌ی قصیده را نیز حفظ کرده باشد. او با ارائه‌ی چنین اسلوبی، موجب ارتقاء اشعار خود و تازگی شکل بیانش گردیده و خواننده را از معنای سطحی، به درک معنای عمیق رهنمون می‌سازد.

کلید واژه‌ها: شـعر معاصر عراق، محمد مهدی جواهری، طرطرا، هنجارگریزی واژگانی، هنجارگریزی نحوی.

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: h-rasouli@sbu.ac.ir

مقدمه

توجه به زیباشناسی متن ادبی، از مباحث مطرح شده در نقد صورت‌گرایی فرمالیسم روسی به‌شمار می‌آید. این مکتب در خلال جنگ جهانی اول در روسیه به‌وجود آمد و در سال ۱۹۲۰ میلادی شکفت (ایرنا، ۱۳۸۳: ۱۹۸). نقد صورت‌گرایی در مقایسه با شاخه‌های دیگر نقد ادبی، تأکید خود را بر تحلیل شکل و ساختار متن ادبی قرار می‌دهد و ماندگاری اثر ادبی را، نتیجه‌ی زیبایی بافت شعر و یا نثر می‌داند.

اصولاً آشنایی‌زدایی در ادبیات معاصر عرب، در اصطلاحاتی از قبیل" إنزیاح"، "عدول" و "انحراف" به‌کار می‌رود که به‌معنای دورشدن از قواعد معمول زبان هستند. لازم به‌ذکر است تلاش برای یافتن انحراف از زبان معیار در آثار ادبی، در ادبیات قدیم عرب نیز وجود داشته است. از زمان نزول قرآن و در پی کاوش اعجاز آن، نظرات متفاوتی در مورد فصاحت و بلاغت ارائه گردید و عده‌ای همچون جاحظ، ابوهلال عسگری و قدامه، فصاحت کلام را منوط به الفاظ دانسته و با مقدم دانستن لفظ بر معنا، اعجاز قرآن را به زیبایی‌های لفظی آن نسبت داده‌اند. بسیاری از آراء عبدالقاهر جرجانی در باب "معانی النحو" و "نظریه‌ی نظم" ، همان مواردی است که صورت‌گرایان در قرن بیستم مطرح کرده‌اند.

محمد مهدی جواهری (۱۳۱۸ه.ق/۱۰۰م)، از جمله شاعرانی است که هم به محتوا و هم به بخش ادبی متن توجه داشته است. او به عنوان یک شاعر وطن‌دوست عراقی، به بیان آرمان‌ها و دردهای جامعه‌ی زمان خود پرداخته و هیچ موضوعی نیست که از دید او پنهان مانده باشد. جواهری بسیاری از موضوعات اجتماعی و اخلاقی همچون وطن‌دوستی، عدالت، دانش‌افزایی و ... را با بیانی زیبا و در بهترین شکل ارائه داده است. سلیمان جبران درباره‌ی او می‌نویسد: "نه شعر کلاسیکی جدید و نه شعر عربی معاصر، شاعری همچون جواهری را نشناخت که اینگونه بتواند با سرزمینش و جهان عرب ارتباط برقرار کند.» (جبران،۲۰۰۳ :۶۳).

شـخصـیت شـعری جواهری و سـبک و اسـلوب شعری‌اش، از میان شاعران گذشته بیشـتر به متنبّی و ابوتمام شـبیه اسـت. علاوه بر آن، وی از فرهنگ و ادبیات اروپایی نیز تأثیر پذیرفته و کتاب‌های شـکسـپیر، بایرون، شـیلر و الیوت را نیز خوانده است (شعبان، ۱۹۹۷: ۲۰۸). اشـعار او از حیث تصویرپردازی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ سلیمان جبران به نقل از جبرا ابراهیم جبرا می‌نویسـد:"بدون شـک شـعر او شعر تصویرهاست و تصـاویر او اغلب از دو منبع سـرچشـمه می‌گیرد: ۱- شـعر عربی قدیم۲- زندگی مردم عراق» (جبران، ۲۰۰۳ : ۱۹۸).

جواهری در همه فنون شعر اعم از مدح، رثا، وصف، غزل و به‌خصوص شعر سیاسی تواناسـت (الخازن،۱۹۹۲: ٨٤) و عاطفه‌ی قوی و سـبک زیبای اشعار او، در ترغیب مردم عراق در جهت نفی ظلم تاثیر زیادی داشـته اسـت. سـلمی خضراء جیوسی معتقد است فوران عاطفه در اشعار جواهری جریان دارد (الجیوسی،۲۰۰۱: ۲۶۷).

قصیده‌ی "طرطرا" یکی از قصائد زیبای جواهری به‌شمار می‌رود. او در این قصیده با بهره‌گیری از انواع اسـلوب‌های زبانی، به بیان مسـائل و مشکلات جامعه‌ی خود پرداخته اسـت. از این‌رو برای آشـنایی بیشتر مخاطب با سبک جواهری در کاربست اسلوب‌های زیباشـناسـی، قصـیده‌ی مورد نظر در حوزه‌ی انواع هنجارگریزی نحوی و واژگانی، به روش توصـیفی-تحلیلی مورد نقد و بررسـی قرار گرفته اسـت تا نمونه‌ای از ادبیات معاصـر عراق از جنبه‌ی سـاختاری و شگردهای زیباشناسی ارائه گردد و به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

-جواهری در قصـیده‌ی "طرطرا" از چه ابزارهای زبانی و سـبکی، برای ارائه‌ی افکار و اندیشه‌های خود بهره برده است؟

-چه عواملی سـبب گردیده تا جواهری قادر باشـد که از انواع مهارت‌های زبانی و شگردهای برجسته‌سازی در شعرش استفاده کند؟

پیشینه‌ی پژوهش

در حوزه‌ی اشعار جواهری، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است:

سلیمان جیران در کتاب خود با عنوان "مجمع الأضداد دراسة فی سیرة الجواهری و شعره"(۲۰۰۳)، زندگی و رویکرد اجتماعی و سیاسی این شاعر را به همراه ذکر شواهدی از اشعارش مورد بررسی قرار داده است؛ در کتاب "لغة الشعر عند الجواهری" از علی ناصر غالب، (۲۰۰۹)، نویسنده از گرایش خطابی جواهری در سرودن قصائد طولانی، به‌کارگیری انواع اسلوب مثل امر، ندا، استفهام و کاربست ترکیبات نادر سخن گفته است. جعفر بهاء الدین در کتاب خود با عنوان "الإلتزام فی شعر محمد مهدی الجواهری"(۲۰۱۱)، به همراه ذکر شواهد مثالی از اشعار جواهری، موضوعاتی از قبیل زندگی و رویکرد اجتماعی و سیاسی وی را بررسی نموده‌است/

جهانگیر امیری و رضا کیانی در مقاله‌ی "السُّخریةُ: مکانتها ومضامینها فی شعر رهی معیری و محمد مهدی الجواهری"(مجلة العلوم الإنسانیة الدولیة، العدد ۱۹: ۱۳۹۱) به این نتیجه رسیده است که هدف هر دو شاعر از به‌کارگیری سخریه، ارائه‌ی مسائل و مشکلات وطن بوده است.

صغری فلاحتی در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان "بررسی ادبیت سبک ها بر اساس معادله بوزیمان (دیوان شظایا و رماد نازک الملائکه و دیوان جلد یک جواهری)" (۱۳۹٤)، میزان ادبیت سبک را از طریق نسبت فعل به‌صفت می‌سنجد و بدین صورت هر اثری که نسبت فعل به صفت در آن بیشتر باشد، از وجهه‌ی ادبی بیشتری برخوردار است و به این نتیجه رسید که سبک شعری جواهری نسبت به سبک نازک الملائکه ادبی‌تر است.

در مقاله‌ی "العدول الأسلوبی فی شعر محمد مهدی الجواهری" از محمدتقی زندوکیلی، (مجله دراسات الأدب المعاصر، العدد ۳۵: ۱۳۹٦)، بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی العدول، به بررسی"العدول الإستبدالی "و " العدول الترکیبی "در اشعار جواهری پرداخته است و به این نتیجه رسیده که جواهری در اسلوب شعری‌اش، از سبک دوره‌ی

عباسی پیروی کرده و هدف او در استفاده از اسلوب بلاغی، انتقال احساس و اندیشه و نزدیک‌شدن با احساسات دردناک مخاطبان بوده است.

رضا رضایی و فرشته دیبایی در مقاله‌ی خود با عنوان "بلاغت آیرونی و تحلیل ابتکارات جواهری در قصیده طنزآمیز"تنویمة الجیاع" (مجله‌ی نقد ادب معاصر عربی، شماره ۱۲: ۱۳۹٦)، قصیده‌ی "تنویمة الجیاع" را در سطوح واژگان، آیرونی بلاغی، آیرونی ساختاری، تنش در ساختار شکلی و تصاویر مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

با توجه به سوابق ارائه شده می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی به‌شکل مستقل، در مورد زیباشناختی قصیده" طرطرا" صورت نگرفته است.

آشنایی‌زدایی-" الإنزیاح"

مفهوم آشنایی‌زدایی را نخستین بار ویکتورشکلوفسکی (۱۹۸٤_۱۸۹۳) در مقاله‌ی "هنر به مثابه تمهید" (۱۹۱۹)، مطرح کرد. هنر شاعر در آشنایی‌زدایی آن است که علاوه بر ایجاد وجهه‌ی شعری در کلام خود، با غریب‌نمایی و متفاوت کردن آن‌چه تا به‌حال در نظر مخاطب آشنا و طبیعی بوده، باعث لذت ادبی مخاطب گردد (رنه ولک، ۱۳۸۸: ۷/ ٤٦٥). هنر با ایجاد اشکال غریب و با افزودن بر دشواری و زمان فرایند ادراک از اشیاء، آشنایی‌زدایی می‌کند (ایرنا، ۱۳۸۳: ۱۳).

معادل واژه‌ی "آشنایی‌زدایی" در ادبیات عرب، کلمات "إنزیاح" ،"انحراف" و "عدول" است. "الإنزیاح" مصدر فعل "إنزاح" به معنای "ذهبَ و تباعد" و ترجمه‌ی لفظ"Ecart" است که به‌معنای"تجاوز" یعنی"گذر از حد مألوف" و یا عدول" به‌کار رفته است (ویس، ۲۰۰۵: ۲۳۵). ازنظر سبک‌شناسان، "عدول" به‌معنی دخل و تصرف در ساختار دلالت‌ها و اشکال ترکیب‌ها می‌باشد؛ به‌طوری‌که از حالت معمول خارج شود. مثل مقدم آوردن مفعول بر فعل و فاعل (المسدّی، ۲۰۰۶: ۱۲۵-۱۲٤).

در نقد عربی قدیم، مفهوم إنزیاح دراصطلاحاتی مثل التفات، مجاز، توسع، عدول، شجاعت، صناعت و تخییل به‌کار رفته است. همان‌طور که قدامه بن جعفر، شعر را

صـنعت (شکل) به شمار می‌آورد (هشام، ۲۰۱۶: ۷۹). در نقد معاصر نیز، إنزیاح با مفهوم نقدی جدید پیوند می‌خورد؛ عبدالسـلام المسدّی سه اصطلاح إنزیاح، تجاوز و عدول را معادل واژه‌ی "Ecart" آورده (همان: ۱۲٤) و صلاح فضل نیز اصـطلاح انحراف یا تضاد را در مقابل این واژه به‌کار برده است (هشام، ۲۰۱۶: ۸۳).

علمـای نحو، مفهوم إنزیاح را بـه‌شـکـل‌های مختلف و با مفهوم‌های نزدیک به هم اسـتفاده کرده‌اند؛ خلیل بن احمد (۱۷۵ه) در باب "النصب" و اسناد فعل به غیر فاعل، که گذشتگان آن را با نام "مجاز عقلی" می‌خوانند را "إنزیاح" می‌داند؛ مثل: "و اشتعل الرأسُ شـیباً". سیبویه اصـطلاح "العدول" و ابن جنی واژه‌ی"الشجاعة" را در مقابل إنزیاح به‌کار برده است (همان : ۵۹).

از نظر علمای بلاغت، تشـبیه، کنایه، التفات و اسـتعاره، همان مفهوم آشـنایی‌زدایی تصـویری (الدلالی/ التصویری) را در بردارد. ابوعبیده در کتاب "مجاز القرآن" به استعاره، کنایه، تشبیه و حذف اشاراتی دارد؛ او اگر چه به‌طور مستقیم واژه‌ی إنزیاح را به‌کار نبرده ولی بحث از التفات و اسـناد فعل به غیر مفعول و مباحث دیگر، مفهوم آشنایی‌زدایی را برای مخاطب تداعی می‌کند (همان: ٦۸-٦۳). در دیدگاه جرجانی، تقدیم و تاخیر، وصل و فصل و زیادت و حذف، منجر به عدول معنی می‌شود. جرجانی بین زبان معیاری و زبان شـعری تفاوت قائل اسـت؛ از نظر او دو معنی وجود دارد؛ معنی مرجعی که همان معنی اولی اسـت که از ظاهر الفاظ دریافت می‌شـود و معنی دومی که می‌توان آن را از تأویل ظاهر لفظ متوجه شـد که زاییده‌ی مجاز اسـت و در این صـورت اصـطلاح "التوسـع" و"معنی المعنی" که نزد جرجانی از مجاز نشـأت می‌گیرد، هم‌پایه‌ی اصـطلاح "إنزیاح" می‌باشد (المسدّی، ۲۰۰۶: ۷۱-۷۰).

معرفی قصیده "طرطرا "

قصـیده‌ی "طرطرا" شـامل ۱۰ بند و ۸۹ بیت اسـت. تعداد ابیات بندها مساوی نیستند و جواهری این قصـیده را بر شـیوه‌ی سـخریه و بر وزن قصیده‌ی "الدبدبیة" عصر عباسی،

سـرود و برای اولین بار، آن را در سـال ۱۹٤٥ در روزنامه‌ی" الرأی العام" منتشـر کرده است. آغاز قصیده این‌گونه است:

أی طـرطـرا تَطرطری تَـقـدّ می تـأخّـری
تشـَـیـعـی تَسـنّنی تَـهـوّدی تَـنَصـّـری
تَـکـرّدی تَـعـرّ بی تَـهـاتـری بـالعنصُـر
تَـعـمّـمـی تـبرنطی تَـعـقّـلی تَسـدّری
... ...

(جواهری،۱۹۸۲: ۳/۱۱۹)

او در این قصـیده با اسـتفاده از انواع شـگردهای زبانی به منظور تاثیرگذاری بیشـتر در نفس و جان مخاطب، فضـای ظالمانه و اوضـاع نابسـامان جامعه را به‌تصـویر کشیده و ضـمن انتقاد از سـکوت مردم، آنها را به وحدت و قوی سـاختنِ خود در برابر دشـمن تشویق می‌کند.

شیوه‌های آشنایی‌زدایی در قصیده‌ی" طَرطَرا "

صـورت‌گرایان، شـگردهای زبانی بسیاری را در متفاوت ساختن زبان شعری شاعر مؤثر می‌دانند مثل کاربرد واژه‌های کهن (باسـتان‌گرایی)،کاربرد سـاختار نحوی ناآشنا یا کهن، نظم و همنشـینی واژگان در شـعر، نوآوری واژه‌ها، ترکیب معنایی جدید، مجازهای بیان شاعرانه (استعاره،انواع مجاز،کنایه و تشبیه)(**فضیلت،۱۳۹۰**: ۲۹۰). لیچ، زبان‌شناس معروف، این موارد را در شـیوه دقیق و در انواعی همچون هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشـتاری، گویشـی، سـبکی، زمانی و معنایی معرفی کرد(صفوی،۱۳۸۰: ۲/ ۵۳). در این بین، قصـیـده"طرطرا" از نظر هنجارگریزی واژگانی و نحوی مورد تحلیل قرار گرفته است.

هنجارگریزی واژگانی

در نگاه صـورت‌گرایان، واژه از اهمیت زیادی برخوردار است. واژگان در کنار یکدیگر، اثر ادبی زیبا پدید می‌آورند. از این‌رو، انواع فنون ادبی نظیر وزن شـعر، تکرار اصـوات، کلمات و طرز ترکیب اصـوات برای جلب توجه مخاطب به‌سـوی واژه ابداع شـده‌اند (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ٧٤). شـاعر می‌تواند با کاربرد واژگان کهن، به آنها حیاتی نو بخشـیده و آنها را وارد زندگی و محیط هنری عصر خود کند(شفیعی کدکنی،۱۳۹۱: ۱۳۱). می‌توان در اشعار جواهری، نمونه‌های بسیاری از واژگان خاص و کمیاب را مشاهده کرد:

-طَرطَرا

أی طَرطَرا تَطَرطَری تَـقَدّمی تَأخّـری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

طرطرَ طرطرة : لاف زد، تکبر کرد، خودستایی کرد. زبیدی در تاج العروس، واژه‌ی"طَرطرَ" را از واژگان ناآشنا به‌شمار آورده است: "طرَطرَ الرجلُ: الطّرطَرَةُ : كلمةٌ عربيةٌ و إن كانت مُبتـذلة عندَ المُولّدين، يقالُ: رجلٌ فيه طرطرةٌ، إذا كانت فيه طَرمَذَةٌ و كَثرةُ كلام، و رجلٌ مُطَرطِرٌ (الزبیدی،١٩٩٤: ١٢/ ٤٢٦). این کلمه، از الفاظ عامیانه اسـت که در عربی فصـیح معـادلی ندارد و به‌دلیل در بر داشـتن معنای سـخره‌گونه، جواهری آن را برای عنوان قصـیده انتخاب کرد (غالب، ۲۰۰۹ :۱۹۱). بنابراین این احتمال وجود دارد که شـاعر از غریب‌بودن آن آگاه بوده است.

" تَطرطَری"

واژه‌ی " تَطرطَری" از واژه‌های کمیاب در زبان عربی است که تنها در برخی از کتاب‌های مرجع ذکر گردیده: "تَطَرْطَرَ القَوْمُ: إذا مَرُّوا على وُجُوْهِهم من غَيْرِ اكْتِرَاثٍ"(صاحب بن عباد، ١٩٩٤: ١٢٩/٩). جواهری از این واژه دو بار اسـتفاده کرده و هر دو بار آن را به همراه "طرطرا" آورده اسـت. شـواهد کاربست واژه در این قصیده نشان می‌دهد که جواهری از آن برای ایجاد توازن آوایی کمک گرفته است.

می‌توان با کنار هم قراردادن واژه‌ها، به آفرینش ترکیب جدید و خاصی دست یافت. بسیاری از شاعران با آمیزش واژه‌ها و ساختن ترکیب‌های گوناگون، توانستند معانی جدیدی را خلق کنند و آن را به نام خود ثبت کنند. به طور مثال در شعر زیر:

أی طَرطَرا إن کانَ شَعـــــبٌ جاعَ أو خَلقٌ عری
او اُخـذَ البریُ بالمـ جـرمِ أخـذَ طـرطـری
فـاحـتَـکـمی تَحَکّمی و تُـحمـدی و تُؤجری
... ...
إنّ أخـا طَرطَرَ مِن کُلّ الَـمـقـاییسِ بَری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

کاربست دو ترکیب" أخذ طرطری" و" أخا طَرطَرَ "، از ابداعات شاعر به‌شمار می‌آید که آن را در حالت سخره‌گونه به‌کار گرفته است. او با استفاده از این فن، انتقاد خود را از حاکمان مستبد و ظالم به نمایش می‌گذارد. ذکر این نکته نیز لازم است که استفاده از اسلوب سخریه، در بیشتر قصائد سیاسی و اجتماعی جواهری دیده می‌شود.

از دیگر شیوه‌های آشنایی‌زدایی واژگانی، کاربرد واژگان و ترکیباتی است که در زمان شاعر متداول نبوده است. بلکه در گذشته معمول بوده و در گذر زمان از استعمال خارج شده و امروزه جزء واژه‌ها و حتی ساختارهای نحوی کهنه به‌شمار می‌آیند. این شیوه با نام آشنایی‌زدایی زمانی یا آرکائیسم شناخته می‌شود (صفوی،۱۳۸۰: ٥٤/۲). جواهری با به‌کارگیری واژگان و عبارات کهن، زیبایی خاصی به شعرش بخشیده است؛ از این‌رو می‌توان به این نکته پی‌برد که اشعار جواهری برای خوانندگان، از جذابیت برخوردار است. در قصیده‌ی بالا می‌توان به‌عنوان نمونه به این واژگان قدیمی اشاره داشت:

شمردل

" شَمَردل" که ترجمه‌ی عربی آن چنین است: " الصبی الجلد و قالوا جَمل شمردل و ناقة شمردل لقوّة سیرها" (مصطفی ابراهیم،۱۹۸۹: ۴۹۳).

أعطی سـمـاتٍ فارعٍ شـَمـردل لِـبُحتر
(جواهری،١٩٨٢: ١١٩/٣)

در این بخش، به‌کارگیری دو واژه‌ی کهن" شمردل" به‌معنای" الطویل" و "البحتر" به معنای "القصیر" و آمیختگی با صنعت تضاد، سبب جذابیت بیت شده است.

الغضنفر

و إنّ هـذا المُستعیـ رَ صـولـةَ الـغَضَـنفر
(جواهری،١٩٨٢: ١١٩/٣)

در این نمونه، "الغضـنفر" به‌معنی"غلیظ الجُثّة"، می‌باشد که این واژه در متون قدیمی فراوان به‌کار رفته است.

می‌توان به این جمع‌بندی رسید که کاربست واژگان کهن در اشعار جواهری، نشان می‌دهد که او در سبک شعری خود – که از امرؤالقیس تا زمان شاعر نمایان است – و در اسلوب نوشتاری و فنون شعری، به کلاسیک متکی بر سنت، گرایش دارد؛ همان طور که صلاح عبد الصبور او را نماینده‌ی آخرین مرحله‌ی زرین شعر کلاسیک عرب به‌شمار می‌آورد (شعبان،١٩٩٧ :١٠١). لازم به‌ذکر است که دایره‌ی واژگانی جواهری محدود به کاربست واژگان کهن نیست، بلکه او اشعارش را با داستان‌ها، مثل‌ها و اشعار گذشتگان مزین می‌کند و زبان‌شناسان این شگرد را باستان‌گرایی باورها نامیده‌اند. در شعر زیر، "اِستَنسری": اشاره به مثل مشهور دارد:

استنسری

کونی بُغاثاً و اسـلمی بالنّفس ثُمّ اِسـتنسـری
(جواهری،١٩٨٢: ١١٩/٣)

در این شـعر، عبارت وَاستَنْسَرَ البُغاث (البِغاث) به‌معنای صَارَ نَسْراً (ابن منظور، ۲۰۱۰: ٥/ ۲۰٤). می‌باشـد. در"المثل السائر" آمده: :"إنّ البغاثَ بأرضنا یَستنسر" أی: إنّ الضّعیفَ یَصیرُ قَویًّا بِأرضِنا" (ابن الاثیر ۲۰۰۸: ۱/ ۱٥۰).

خَبطوا عشوا

أو خَبَطوا عَشـــوا فقُو لـــی أی نَـــجـــمٍ نَیرِ

(جواهری،۱۹۸۲: ۳/۱۱۹)

در فرهنگ لغت، واژه‌ی «عشـــوا» این‌گونه معنا شده است: "عَشا یَعشُو عَشْواً: و هو أدنی بصره" (الأزهری، ۲۰۰۱: ۳/ ۳٥). همچنین عبارت "یخبط خَبطَ عَشواءَ" (المیدانی، ۲۰۰۳: ۳/ ۴۱۴) به‌معنای «چون شـتر شب کور گام می‌نهد» است که این مَثَل در مورد فرد ناآگاه و نادان به‌کار می‌رود.

خَلاَ لَکِ الْجَوُّ فَبِیضِی وَاصْفِرِی

این ضرب‌المثل، برای اولین بار توسط طرفه بن عبد به‌کار رفته (المیدانی، ۲۰۰۳: ۳/ ۲٤۱) و جواهری آن را در دو مصرع آورده است:

خلـــا لـــکَ الجوُّ" و قد طابَ" فبیضی و اصفری"

(جواهری،۱۹۸۲: ۳/۱۱۹)

همچنین عبارت "و قد طاب" افزون بر تأکید عبارت قبل، مانع از به هم‌ریختگی وزن قصیده شده است.

استفاده از صنعت تضاد

گسـتردگی دایره‌ی واژگانی جواهری این امکان را به او داده اسـت تا از صنعت تضاد و تناقض بسـیار بهره ببرد. از نمونه آن‌ها می‌توان به کلمات" قُبُل و دُبُر"، " بادٍ و مُحتضَر"، المعروف و المنکر"، "الصـــائم و المُفطّر"، "بائع و مُشتری"، "الظلام و الصباح"، "القضا و

القدر" و" الثور و البقر" اشـاره کرد. او با چینش واژگان متضاد در کنار هم، ابیاتی آهنگین و زیبا ارائه می‌دهد:

أی طـرطـرا تَطرطری تَـقـدّ می تـأخّـری
تشـَـیـعـی تَسـنّنی تَـهـوّدی تَـنَصّـری
تَـکـرّدی تَـعـرّ بی تَـهـاتری بـالعنصُـر
تَـعـمّـمـی تبرنطی تَـعـقّـلی تَسـدّری

(جواهری،١٩٨٢: ٣/١١٩)

شاعر در ابیات بالا با کنار هم قراردادن واژگان (تقدّمی، تأخّری)، (تَشیعی، تَسنّنی)، (تهوّدی، تَنصّری)، (تَکرّدی، تَعرّبی)، (تَعمّمی، تبرنطی) و (تَعقّلی، تَسدّری)، ذهن خواننده را به‌سوی انبوهی از کلمات با وزن‌های "باب تفعّل" همراه با شیوه‌ی تناقض‌گویی رهنمون می‌کند و تسلط واژگانی خود را بر خواننده اثبات می‌نماید و با این شیوه، زبان شعری‌اش را تشخص بخشیده و هنر شاعری‌اش را برجسته می‌نماید. به‌نظر می‌رسد که شاعر در این قصیده به این نوع سخن‌گفتن علاقمند است؛ چرا که در ابیات بعدی به تناقض‌گویی اشاره دارد:

کونی علی الـأضـداد فی تـکـوینـک الـمبعثر

(جواهری،١٩٨٢: ٣/١١٩)

اگر چه این نوع از تناقض به ظاهر با عقاید عموم تضـاد دارد؛ اما در پس این معنای ظاهری، معنای حقیقی نهفته اسـت. جواهری با این کار، فضای حاکم بر جامعه آن زمان را بـه‌تصـویر کشـیـده و ذهن مخـاطب را به عمق معنا درگیر کرده که سـرانجام به تاثیرپذیری مخاطب می‌انجامد.

در تمام موارد بالا، آنچه برای خواننده جذابیت دارد، تسلط واژگانی و اطلاعات ادبی جواهری اسـت؛ او سعی دارد تا خواننده را در تلاطم معنی واژگان درگیر کند و بر غنای ادبی آثـار خود بیـافزایـد؛ می‌توان گفـت کـه واژگان در روح و ذهن جواهری جادوی خاصـی دارد و وی توجه و عنایت زیادی در اسـتفاده از واژگان دارد. واژه و جواهری

مکمل هم هستند؛ همدیگر را می‌شناسند، با هم حرکت می‌کنند و با هم عجین می‌شوند (االعلوی، ۱۹۶۹ : ۱۸۱). وی اشعارش را با اصطلاحات و ترکیبات کلاسیک، سیراب می‌کند؛ به‌گونه‌ای که او با مهارت تمام، قدیم و جدید را در کنار هم قرار داده و ترکیبات جدیدی را خلق می‌کند که به وی اختصاص دارد. جواهری نه از میراث کلاسیکی گذشته شانه خالی می‌کند و نه از زندگی معاصر با همه‌ی ارزش‌ها و حساسیت‌هایش دور می‌شود. تاجایی‌که حتی اصطلاحات شعری معاصر از قبیل" الضحایا، الجوع، الغمام، الضباب، الثورة و..." را در شعر عربی وارد کرده است (الجیوسی، ۲۰۰۱: ۲۶۸).

در اشعار جواهری هنجارگریزی واژگانی، از زبان شعری غنی او نشأت می‌گیرد. متفاوت‌بودن و برجسته‌بودن اشعار جواهری از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد و دو منبع دینی مهم یعنی قرآن و نهج البلاغه و متون قدیمی، در اسلوب شعری و تصویرپردازی‌اش، تأثیر زیادی نهاده است (الخوری،۱۹۶۰: ۲۴۴).جواهری هم از حیث مضمون و هم از حیث موسیقیایی تحت تاثیر قرآن بوده است.(بهاء الدین،۲۰۱۱: ۲٦۷).افزون بر آن، او همچنین از حافظه‌ای قوی برخوردار بوده است؛ همان‌گونه که خودش در خاطراتش می‌نویسد: "کسی که شعر بحتری، ابونواس، ابن رومی، معرّی، دعبل، اخطل، ابوتمام و متنبّی را حفظ نباشد و یا آیات قرآن و نهج البلاغه و نوشته‌های جاحظ، ابن قتیبه، ابن اثیر و ابوالفرج را نخوانده و یاد نگرفته باشد، امکان ندارد شاعر و یا نویسنده شود؛ هر چند که میلیون‌ها روایت و کتاب‌های عرب و عجم را بخواند و پنجاه سال به بررسی اسالیب شعر و ادب غربی بپردازد و یا بسیاری از زبان‌ها را فرا بگیرد" (الجواهری، ۱۹۸۸: ۶۶/۱) همچنین می‌نویسد که او "هرروز یک خطبه از نهج البلاغه و قطعه‌ای از امالی ابوعلی القالی و قصیده‌های متنبی را می‌خواند و حفظ می‌کرد" (همان). همچنین وی از تمدن و فرهنگ اروپایی نیز تأثیر پذیرفته است.

اگر چه در اشعار جواهری، می‌توان واژگان و ترکیبات قدیمی را مشاهده کرد که نشان‌دهنده‌ی تاثیرپذیری او از شاعران پیشین همچون متنبی و بحتری است؛ اما نمی‌توان از نگرش ذاتی او در گزینش واژگان و عبارات گذشت؛ او اسلوب خاص و منحصر

بـه‌فرد خود را از کودکی کســـب کرده و با تجربیاتی که به‌دســـت آورد، به موفقیت و پیشرفت رسید (البصون،۲۰۱۳: ۴۴).

هنجارگریزی نحوی

مقصـود از این نوع هنجارگریزی، خارج شـدن از اصل قواعد نحوی است. بنا بر نظریه لیچ، شـــاعر می‌تواند با نادیده‌گرفتن قواعد نحوی حاکم بر زبان، به شـــعرآفرینی بپردازد (صفوی، ۱۳۸۰: ۲/ ۸۰). شاعر به نحوی خلاقانه، از قواعد نحو سرپیچی می‌کند و با تغییر و جابجاکردن اجزای جمله، موجب برجسـته‌سـازی و آشـنایی‌زدایی در زبان می‌شـود. در واقع، هر نوع انحراف از فرم خودکار زبان و ایجاد دگرگونی در ساختار صرفی و نحوی جمله‌ها، در صـــورتی‌که به زیباآفرینی منجر شـــود، از ویژگی‌های برجســـته‌ســـازی ادبی خواهد بود.

در ادبیات عرب معادل هنجارگریزی نحوی، همان "عدول"در مباحث نحوی اســـت و جرجانی آن را با نام "علم معانی نحو" می‌آورد. در دیدگاه جرجانی، تقدیم و تاخیر، وصـــل و فصـــل و زیادت و حذف، منجر به عدول معنی می‌شـــود. هنجارگریزی نحوی محدودیت ندارد و هر عبارتی‌که از اصـل قاعده‌ی نحوی خارج شـود، می‌تواند نمونه‌ای از هنجارگریزی نحوی باشد.

تکرار

در مباحث نظری فرمالیســت‌ها، تاکید زیادی بر عنصـر تکرار به‌عنوان یکی از شیوه‌های آشـنایی‌زدایی شـده اسـت. تکرار در زیباشـناسی اثر، نقش مهمی دارد و شاعر در ورای تکرار، اهـدافی را دنبـال می‌کنـد کـه با توجه به غرض خویش، آن را هنرمندانه به‌کار می‌گیرد. تکرار می‌تواند در انواع متفاوتی مثل تکرار واژه، عبارت و یا حرف به‌کار گرفته شـود (الملائکه، ۱۹۶۷ :۲۳۰). تکرار کلامی، از مسـائل قاعده‌افزایی در شـعر می‌باشـد که نخسـتین بار از سوی یاکوبسن مطرح گردید؛ از نظر او فرایند "قاعده‌افزایی" چیزی جز "توازن" در وسـیع‌ترین مفهوم نیسـت (مدرسـی، ۱۳۸۷: ۱۳۰- ۱۲۷). این توازن به‌منظور

برانگیختن عواطف مخاطب و به‌صورت تکرار آواها و واژه‌ها خلق می‌شود و زبان شاعر را نسبت به زبان معیار برجسته می‌نماید (صفوی،۱۳۸۰ :۱٦۲/۲). نکته‌ی مهم در تکرار آن است که لازم است تکرار، ارتباط محکم و دقیقی با معنای شعر داشته باشد و از قواعد ذوقی و زبان‌شناسی که بر مجموعه‌ی اثر ادبی حاکم است، پیروی کند (رجائی، ۱۳۷۸ : ۱۱۰). حال باید دید جواهری چگونه از تکرار به‌منظور برجسته‌سازی زبان شعری خود استفاده نموده است.

تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها، از مهم‌ترین مصادیق تکرار است که سبب افزایش موسیقی زبان شعر می‌شود. موسیقی درونی، مجموعه‌ی آهنگ‌هایی است که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد، تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸٤: ۲٥٤):

أی طرطرا تَطرطری تَقدّ می تأخّری
تشیَ یعی تَسنّنی تَهوّدی تَنَصّری
تَکرّدی تَعرّبی تَهاتری بالعنصُر
تَعمّمی تبرنطی تَعقّلی تَسدّری
کونی – إذا رُمتِ العُلی – من قُبُلٍ او دُبُرٍ
صالحةً کالحٍ عامرةً کالعُمُری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

در ابیات بالا، تکرار صامت‌های "تـ ، د ، ر" و مصوت‌های کوتاه " کسره" و بلند "ی"، به‌وضوح دیده می‌شود و می‌توان شاهد بود که فضای قصیده بر تکرار مصوت " کسره" و "ی" استوار است؛ مصوت "ی" جزء اصوات "مد و لین " به‌شمار می‌آید که شامل "ا ، و، ی" است. جواهری در این ابیات، با تکرار صامت و مصوت" ت" و "ی" ، موسیقی خاصی را به‌شعر بخشیده است. از نظر ناقدان صدای مد و لین به‌علت برخورداری از قوت و فخامت، عنصری مهم در زیباشناسی یک اثر ادبی است (سلوم، ۱۹۸۳ : ٥۱).

همچنین تکرار می‌تواند در سطح واژگان نیز اتفاق بیافتد که این نوع از تکرار، موجب قاعده‌افزایی و رستاخیز واژه‌ها و عامل ایجاد توازن در شعر است (مدرسی،۱۳۸۷: ۱۳۰). در اشعار جواهری، واژگانی تکرار می‌شوند که از نظر شاعر، کلماتی کلیدی هستند؛ در قصیده‌ی "طرطرا"، از واژه‌ی "طرطرا" ۸ بار استفاده شده است. تکرار منظم وزن باب "تفعّل" در افعالی از قبیل" تطرطری، تقدّمی، تأخّری، تَشیعی، تَسنّنی، تهوّدی، تَنصّری، تَکرّدی،تَعرّبی، تَعمّمی، تبرنطی، تَعقّلی، تَسدّری، تَزیدی، تَزبّدی، تَعنّزی، تَشمّری، تَقهقری، تَقلّبی، تَصرّفی، تَحکّمی، تذکّری و لا تتذّری "، و استفاده از افعال مختلف در صیغه‌ی "للمخاطبة "، افزون بر افزایش موسیقی شعر، مانع از گسیختگی قصیده گردیده است.

در این قصیده، تکرار به شکل "تجنیس" دیده می‌شود: در ابیات

"من لونکَ الداجی ریاءٌ/ و ارتیاعٌ و ارتیاب" ، " تَقلّبی تَقلّبَ الدهر...."

" و التمسی جدوداً جُدُدا....." ، "فاحتکمی تَحَکّمی....."

"و شبّهی الظلامَ ظُلماً"

و " شامخةً شُموخَ قرَن...." (جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

نمونه‌ی استفاده از تجنیس مشهود است. تجنیس، موجب افزایش موسیقی درونی قصیده شده و زبان شعری شاعر را اعتلا می‌بخشد.

همچنین در این قصیده، تکرار به‌صورت هم‌صدایی بروز پیدا می‌کند و ابیات به‌دنبال هم و به‌شکل عمودی، در دسته‌های دوتایی و یا بیشتر هم‌آهنگ می شوند. به‌طور مثال در ابیات زیر:

إن قیل إنّ مَجدَهُم مُزیفٌ فأنکری

أو قیلَ إنّ بطشهُم مِن بطشة المُستعمر

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

می‌توان شاهد بود که کلمات مصرع اول در هر دو بیت به صورت عمودی با یکدیگر، هم‌صدا هستند و این نوع تکرار نیز سبب افزایش موسیقی درونی می‌شود.

توازن، موجب برانگیختن عواطف و احساسات مخاطب و برجستگی زبان شاعر می‌گردد (صفوی،۱۳۸۰ : ۱٦۲/۲).

بیشتر تکرارهایی که در شعر جواهری به چشم می‌خورد، در ابتدای مقطع جدید است به‌گونه‌ای که در پنج بند از قصیده‌ی " طرطرا"، از این اسلوب بهره گرفته شده و این نوع از تکرار را می‌توان در قصائد دیگر جواهری شاهد بود. او برای ایجاد ارتباطی محکم بین مقاطع و همچنین باالبردن توازن و موسیقی کلام، از این نوع تکرار استفاده می‌کند (الدجیلی،۱۹۷۲ : ۴۵). هدف اصلی در این نوع تکرار، توجه و عنایت شاعر به موضوعی خاص است که به انسجام و یکپارچگی فکر و اندیشه و وحدت موضوع کمک می‌کند (رجائی، ۱۳۷۸ : ۲۵۳).

در این قصیده، تکرار همراه با تنوع است و به‌شکل تکرار واژه، تکرار حروف و تکرار جمله دیده می‌شود. شواهد تکرار در این قصیده نشان می‌دهد که جواهری تکرار را با طنز در می‌آمیزد و با این شگرد، فضای نابسامان جامعه خویش را به‌تصویر کشیده و رابطه‌ای قوی بین تکرار و طنز برقرار می‌کند و با گزینش الفاظ مناسب که دارای مضمونی طنز هستند، زوایای اندیشه‌های پنهان خویش را به خواننده انتقال داده و او را از معنای سطحی و ظاهری، به معنای باطنی و عمیق رهنمون می‌سازد. این تکرارهای آگاهانه توسط شاعر، سبب افزایش موسیقی کلام، القای معنی مورد نظر و جلب توجه خواننده به موضوع اصلی می‌شود. جواهری با تکرار واژگان مهم در محدوده‌ای گسترده‌از اشعارش، به‌دنبال تشدید عاطفه و تاکید بر یک ایده و اندیشه است (علوان، ۱۹۷۵ : ۳۱۳). از این‌رو، با تکرار واژگان متناسب با فضای قصیده، به‌دنبال القای معنای مورد نظر در ذهن مخاطب است.

در قصیده‌ی "طرطرا" موسیقی حاصل از تکرار صامت‌ها، مصوت‌ها، واژگان و عبارات به-گونه‌ای با فضای شعر هماهنگی دارد که می‌توان آن را به عنوان یک نمونه‌ی کامل برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی به‌شمار آورد. توجه به ریتم و موسیقی، فقط به شعر جواهری اختصاص ندارد؛ بلکه او در نثر نیز به آهنگ و ریتم کلام اهمیت می‌دهد. جواهری علاوه بر شعر، در نثر هم به‌دنبال آهنگین‌کردن کلام است. سلیم البصون در"

الجواهری بلسانه و بقلمی" می‌نویسد:"و الجواهری الناثر هو الجواهری الشاعر، فبإستثناء الوزن و القافیه فإنّ نثره شعر. بل یمکنُ ان فی بعض نثره وزناً و قافیة لأنّ فیه نغماً و فیه موسیقی... و الشعر هو لغة و موسیقی."(البصون، ۲۰۱۳ : ۳۳).

جواهری همچنان که به مضمون قصیده توجه دارد، از ظاهر و شکل قافیه غافل نمی‌ماند؛ لازم به‌ذکر است علاقمندی وی برای آهنگین‌کردن ابیات، از ویژگی‌های ذاتی او می‌باشد؛ او در خاطرات خود از علاقه‌اش به موسیقی در کودکی، این‌گونه می‌گوید: "و لئن استعصت علی المعانی الصعبة للقصائد فقد أخذنی إیقاع الشعر ... و رأیتُ أکابر أهل البلد یهتزون علی هذا الإیقاع و تفتح عیونها علی قدر ما شنفت به آذانهم ... و کنتُ أستمع و أری ما یفعله الشعر بالناس و أُحسّ فی داخلی بمهابة ما بعده مهابة" (الجواهری، ۱۹۸۸: ۱/۶۶).

تقدیم و تاخیر

هر متنی از یک نظام و ساختار زبانی معناداری تشکیل می‌شود و لازم است تا بین واحدهای ساختاری متن انسجام و ارتباط درستی برقرار باشد؛ یعنی ترتیب واژگان به‌ساخت دستوری متن مرتبط است. پس پایبند بودن به جنبه‌ی نحوی و رعایت قوانین دستوری در هر متنی لازم است تاجایی‌که در نظم نیز کلام باید بر اساس آنچه علم نحو اقتضا می‌کند بیان شود و حد و مرزها حفظ گردد (جرجانی، ۲۰۰۴ : ۸۱).

اما گاهی ممکن است کلام از ترتیبی که قوانین نحوی بر آن استوار است، خارج شود؛ مشروط بر اینکه در معنا خللی ایجاد نشود. از نظر سبک‌شناسان، دخل و تصرف در ساختار دلالت‌ها و اشکال ترکیب‌ها، به‌طوری‌که از حالت معمول خارج شود، یعنی تبدیل از وجهه‌ی خبری یا انشایی، یک نوع انزیاح است؛ مثلا اگر ساختار جمله‌ای به‌شکل "فریقاً کذّبتُم و فریقاً تَقتلون" ذکر گردد، مفعول مقدم شده و به این ترتیب از ساختار اصلی عدول گردیده است (المسدّی، ۲۰۰۶ : ۱۲۵-۱۲۴). از نظر فرمالیست‌ها، آشنایی‌زدایی ترکیبی بیشتر در تقدیم و تاخیر ظاهر می‌شود؛ جان کوهن آشنایی‌زدایی ناشی از این مساله را

آشنایی‌زدایی نحوی نامیده است (کوهن،۱۹۸۶: ۱۷۹). در قصیده مورد بحث، شواهد تقدیم و تاخیر به شرح زیر می‌باشد:

و لم تَری فی النَفس مـــا یـــغـــنـــ یکِ ان تَفتخری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

در این بیت، جواب شـــرط "و لم تری فی النفس ما یغنیکَ " بر جمله‌ی شـــرط "ان تَفتخری" مقدم شده است. در بیت:

أو صـــاحَ نهبـــاً بـــالبلـــا دِ بـــائـــعٌ و مشـــتری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

مفعول " نهباً " بر فاعل " بائعٌ " مقدم شده است. همچنین در نمونه‌ای دیگر:

بـــدرهـــمٍ تُـــقلّـــبُ الـــ ـــــــحـــالَ یدُ المحرّر

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

مفعول "الحال" بر فاعل " ید" مقدم شـده اسـت. با توجه به وزن و موسـیقی قصیده، می‌توان گفت که مقدم شـدن موارد بالا برای رعایت وزن و قافیه صـورت گرفته اسـت. بـایـد گفـت مقـدم آوردن رکن و یا قســمتی از جمله، به‌دنبال یک غرض بلاغی و در چارچوبی دقیق صـــورت می‌گیرد.جرجانی در کتاب دلائل الإعجاز به طور مفصـــل مبحث تقدیم و تاخیر را مورد بررسی قرار می‌دهد.(ر.ک.جرجانی، ۲۰۰٤: ۱٤۲ – ۱۰٦).

فاصله بین ساختارهای نحوی

در سـاختار نحوی جملات، اصل بر این است که میان فعل و فاعل، مبتدا و خبر و شرط و جواب شـــرط، فاصـــله‌ی زیادی نباشـــد تا خللی در معنا ایجاد نگردد؛ اما گاهی این فاصـــله‌ی زیاد از جنبه‌ی زیباشـــناســـی مورد بحث قرار می‌گیرد. فاصـــله‌ی زیاد میان سـاختارهای نحوی، موجب فعال شـدن تخیل مخاطب می‌شـود؛ مخاطب در جستجوی آن اسـت تا به رازها و معنای ذهنی شـاعر پی ببرد که این امر در نتیجه سـبب جذابیت شعر در نگاه مخاطب می‌شود. به‌طور مثال:

أی طرطرا إن كانَ شعبٌ جاعَ او خلقٌ عَری
او اجمع الستُ المللاییُن علی التذمُّر
او حکم النساءُ حُکم الغاصب المُقتدر
او صاحَ نهباً بالبلاد بائعٌ و مشتری
او نُفّذَ المرسومُ فی محابرٍ و أسطر
او اُخذَ البریئ بالمُجرم اخذ طرطری
او دفعَ العراقُ للذُلِّ او التدهورِ
فاحتکمی تَحَکمی و تُحمدی و تؤجری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

در این بند از قصیده، فاصله‌ی زیادی بین شرط و جواب شرط، وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که فعل شرط در ابتدای بند و جواب شرط در آخر بند آمده و جواهری این فاصله زیاد را با عطف جملات و تکرار حرف " أو" پوشش داده است. در نمونه‌ای دیگر:

کونی إذا رُمتِ العُلی من قُبُلٍ او دُبُرِ
صالحةً کصالحٍ عامرةً کالعُمُری

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

همان‌طورکه دیده می‌شود، "صالحة" که خبر کانَ می‌باشد، با فاصله‌ی نسبتاً زیادی در بیت بعدی آمده است.

حذف

یکی از انواع برجسته‌سازی‌های زبانی که فرمالیست‌ها به آن توجه نموده‌اند، حذف قسمتی از جمله و یا حذف حرف، فعل و یا اسم است. شاعران از حذف، برای متفاوت ساختن زبان شعری خود و رعایت موسیقی کلام بهره می‌گرفتند. موجزکردن جملات از طریق حذف، سبب فعال شدن احساس خواننده شده و تداوم شعر را در ذهن خواننده بیشتر رقم می‌زند. حذف می‌تواند شامل حذف قسمتی از جمله و یا حذف حرف، فعل

و یا اسم باشد. از جمله نمونه‌های حذف در اشعار جواهری می‌توان به حذف حرف عطف اشاره کرد:

أی طرطرا تَطَرطَری تَقَدّ می تَأخّری
تَشَیعی تَسَنّنی تَهَوّدی تَنَصّری
تَ کرّدی تَعَرّ بی تَهاتری بالعُنصُر

(جواهری،۱۹۸۲: ۱۱۹/۳)

در این ابیات، شاعر برای نمایش اوضاع جامعه، روشن ساختن افکار مردم و نکوهش غفلت و بی‌خبری آنها، از فعل امر به‌صورت پیوسته استفاده می‌کند؛ بدون اینکه افعال را با حرف عطف پیوند دهد. از این‌رو نوعی نغمه و موسیقی دلپذیری را در اشعارش خلق می‌کند و مخاطب نیز بدون وقفه و مکث و سکوت، پی در پی اندیشه‌ی شاعر را دریافت می‌کند.

نتیجه

-با واکاوی اشعار جواهری در سطح هنجارگریزی، می‌توان به این نتیجه رسید که در تمام این موارد، زبان شعری غنی جواهری و اسلوب بی‌نظیرش بر خواننده اثبات می‌شود و قطعاً فرهنگ غنی، تسلط شاعر بر متون دینی همچون قرآن و نهج البلاغه، احاطه‌ی او بر ادبیات کهن و برخوردارب ودن او از دایره‌ی لغوی گسترده و آشنایی با فرهنگ و ادبیات غربی، این امکان را به او داده تا از انواع هنجارگریزی، اعم از نحوی و واژگانی، استفاده کند و زبان شعری خود را متفاوت و برجسته نماید.

- هنجارگریزی در اشعار جواهری، نشان‌دهنده‌ی شرایط اجتماعی روزگارش است؛ او قصد دارد تا با برجسته‌کردن پیام‌های متنی در قالب عباراتی خاص و بر پایه اسلوب سخریه، ذهن مخاطب را به پیام‌های درونی متن رهنمون کرده و خوانندگان را به تأمل بیشتری نسبت به اوضاع و احوال جامعه وا دارد. از آنجا که وی شاعری دردمند و ناراضی از شرایط زمان خویش است، از واژگان و ترکیبات خاص استفاده می‌کند تا هم

حسـرت و اندوه خویش را به مخاطب برساند و هم وجهه‌ی ادبی قصیده را حفظ کرده باشد.

– یکی از عوامل زیبایی سـاختاری اشـعار جواهری، علاقمندی ذاتی او به اسـلوب زیباشـناسـی اسـت. شعر برای وی، از اهمیت بالایی برخوردار است و به‌همین علت در انتخاب واژگان، مهارت به‌خرج داده و به‌خواننده‌ی اشـعارش، شعری آهنگین با اسلوبی زیبا، تقدیم می‌کند. او در به‌کارگیری واژگان قدیمی مهارت دارد و با اسـتفاده از واژگان زیبا و سـاخت عبارات نوین، بین لفظ و محتوا و بین تمام اجزای جمله، انسـجام برقرار می‌کند. استفاده از مثل‌های شعری، دلیل محکمی بر برخورداری او از فرهنگ لغوی غنی می‌باشـد؛ او نه تنها در این قصیده، بلکه در بسیاری از اشعارش، از واژگان کهن استفاده می‌کند که این امر نشـان می‌دهد جواهری به کلاسـیک متکی بر سـنت، گرایش دارد و تسلط او بر متون کهن و مطالعه‌ی آن را، برای مخاطب اثبات می‌کند. افزون بر این، او با خلق ترکیبات و عبارت‌های جدید، ذهن خلاق خود را برای خواننده به نمایش گذاشـته است.

– جواهری با وجود پایبندی به سـاختارهای نحوی، گاهی این سـاختارها را بر هم می‌زنـد تـا کلامش را جذاب‌تر جلوه دهد. در بین انواع هنجارگریزی نحوی، اسـلوب تکرار بیشترین بسامد را دارد. شاعر برای افزایش موسیقی و ارائه‌ی پیام‌های متنی، تکرار را به‌شـیوه‌هایی چون تکرار صـامت و مصـوت، واژه، ترکیبات، تکرار حروف و عبارت کامل به‌کار می‌گیرد. او با تکرارهای پی در پی، خواننده را با خود همراه سـاخته و مانع از گسـیختگی افکار می‌شـود. تکرار، تقدیم و تاخیر، حذف، ایجاد فاصـله بین قوانین نحوی، بـا اهـداف متنوعی همچون اهتمـام و تـاکید، اختصـاص، رعایت وزن و قافیه صورت گرفته است.

– نکته‌ی مهم در زیباشـناسـی اشـعار جواهری آن اسـت که او در اکثر قصائد خود، چندین اسـلوب و فن را با هم در آمیخته و خود را به سـاختارهای ثابتی محدود نکرده اسـت. تنوع اسلوب در قصیده اعم از خبری و انشایی، حذف و اضافه و تقدیم و تاخیر و... نشـان می‌دهد که وی با به‌کارگیری انواع اسلوب و با در نظرگرفتن ساختار قصیده،

تصـــویر زیبایی متناســـب با محتوای آن را به خواننده ارائه می‌دهد و موجب جلب نظر مخاطب و برانگیختن احساس و عاطفه‌ی او شده و فضای مناسبی را برای تأمل خواننده می‌گشاید.

منابع و مآخذ

- الأزهری، محمد بن احمد، (۲۰۰۱)، "**تهذیب اللغة**"، ج ۳، بیروت: دار إحیاء التراث العربی
- ابن الأثیر، ضیاءالدین، (۲۰۰۸)، **المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر**، ج ۱، مصر: دارالنهضة
- ابن منظور، (۲۰۱۰)، **لسان العرب**، ج ٥، بیروت: دار صادر
- ایرنا، ریما مکاریک، (۱۳۸۳)، **دانشـــنامه نظریه های ادبی معاصـــر**، ترجمه مهران مهاجر و همکاران، تهران: آگه
- البصون، سلیم،(۲۰۱۳)، **الجواهری بلسانه و بقلمی، بغداد:** دار میزوبوتامیا
- بهاء الدین، جعفر، (۲۰۱۱)، **الإلتزام فی شعر محمد مهدی الجواهری**، بیروت : دارالکتب العربی
- جبران، سلیمان، (۲۰۰۳)، **مجمع الأضداد**، دراسه فی‌سیرة الجواهری وشعره ، بیروت: المؤسسه العربیة
- جرجانی، عبدالقاهر، (۲۰۰۴)، **دلائل الإعجاز**، قرأه و علّقَ علیه محمود محمد شـــاکر، قاهره: الناشر مکتبة الخانجی
- جواهری، محمد مهدی، (۱۹۸۲)، **دیوان شعر**،ج ۳، الطبعه الثالثه، بیروت: دارالعودة
- ـــــــــــــــــ، (۱۹۸۸)، **ذکریاتی**، المجلّد الأولی، الطبعة الأولی، دمشق: انتشارات دارالرافدین
- الجیوسی، سلمی خضراء، (۲۰۰۱)، **الإتجاهات و الحرکات فی الشعر العربی الحدیث**، بیروت: مرکز الدراسات الإسلامیة
- الخازن، ولیم، (۱۹۹۲)، **الشـــعر و الوطنیه فی لبنان و البلاد العربیه**، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالعلم للملایین
- الخوری، أنیس، (۱۹٦۰)، **الإتّجاهات الأدبیه فی العالم العرب الحدیث**، بیروت: دار العلم للملایین
- الدجیلی، عبد الکریم، (۱۹۷۲)، **الجواهری شاعر العربیة**، النجف: مطبعة الآداب
- رجائی، نجمه، (۱۳۸۷)، **آشنایی با نقد ادبی معاصر عربی**، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی
- رنه ولک، (۱۳۸۸)، **تاریخ نقد جدید** ، ترجمه سـعید ارباب شـیروانی، جلد هفتم، تهران: انتشـارات نیلوفر
- الزبیدی، مرتضی، (۱۹۹٤)، **تاج العروس**، ج ۱۲، بیروت: دارالفکر
- سلوم، تامر (۱۹۸۳)، **نظریة اللغة و الجمال فی النقد الأدبی**، سوریه، اللاذقیه : دارالحوار

– شـــعبان، عبد الحسین، (۱۹۹۷)، **الجواهری جدل الشعر و الحیاة**، الطبعه الأولی، بیروت: دارالکنوز الأدبیه

– شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸٤)، **موسیقی شعر**، ج۳، تهران: موسسه انتشارات آگاه

– _____، (۱۳۹۱)، **رستاخیز کلمات**، تهران: انتشارات سخن

- صفوي ، ک،(۱۳۸۰)، از زبان شناسي به ادبيات،ج ۲، نظم، تهران: سوره مهر

– علوان، علی عباس، (۱۹۷۵)، **تطور الشـــعر العربی الحدیث فی العراق**، الجمهوریة العراقیة: منشورات وزارة الأعلام

– علوی مقدم، مهیار، (۱۳۷۷)، **نظریه‌های نقد ادبی معاصـر و صـورتگرایی و ساختارگرایی**، تهران: نشر سمت

– العلوی، هادی.(۱۹٦۹). **محمد مهدی الجواهری، دراسة نقدیة**؛ نجف: مطبعة النعمان.

– غالب، علی ناصر، (۲۰۰۹)، **لغة الشعر عند الجواهری**، الطبعة الأولی، عمان: دار الحامد

– فضیلت، محمود، (۱۳۹۰)، **اصول و طبقه‌بندی نقد ادبی**، تهران: انتشارات زوّار

– مصـــطفی ابراهیم، (۱۹۸۹)، **المعجم الوسیط**، استانبول: دارالدعوة مؤسسه ثقافة للتألیف و الطباعة و التوزیع

– مدرسی،فاطمه، (۱۳۸۷)، **فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی**، تهران: ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

–الســـدّی، عبد الســـلام، (۲۰۰٦)، **الأســـلوبیة و الأسلوب**، الطبعة الخامسة، بیروت: دارالکتب الجدید المتحدة

– الملائکة، نازک ، (۱۹٦۷)، **قضایا الشعر العربی المعاصر**، مصر: مکتبة النهضة

– المیدانی، أبوالفضـــل، (۲۰۰۳)، **مجمع الأمثال**، م ۳، تحقیق و شرح: الدکتور قصّی الحسین، بیروت: مکتبة الهلال

–ویس، احمدمحمد (۲۰۰۵)، **الإنزیاح**، الطبعة الأولی،بیروت: المؤســـسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع

–هشام، توتای سیف الله، (۲۰۱٦)، **شعریة الإنزیاح فی بنیة القصیدة العربیة**، عمان: دار غیداء

الجمالية فی قصيدة "طرطرا" للشاعر محمد مهدی الجواهری
بين المنظور المعجمی ومنظور النحو العربی

حجت رسولی[1]
سيده فيروزه حسينی[2]

الملخص

يعتبر اساليب جميلة من جانب الشعراء بهدف تقديم عمل رائع و فريد من نوعه أمراً يجب التفكير فيه.يعد تمييز اللغة أحد الأساليب التی تعزز النصّ العادی فی سياق أدبی. يقوم الشعراء عن طريق التهرب من اللغة القياسية و الابتعاد عن القواعد التی تحكمها اللغة القياسية بتمييز لغتهم الشعرية وبالتالی نقل مشاعرهم و أفكارهم إلی القارئ. محمد مهدی الجواهری هو أحد الشعراء الذين تم اعتبار قصائدهم من حيث المحتوی والبنية.ولكن ما هی الأدوات اللغوية التی استخدمها الجواهری لتقديم أفكاره؟ تحاول هذه الدراسة إلی تقديم شواهد علی القواعد النحوية و المعجمية فی قصيدة "طرطرا" بناءً علی النظرية الوصفية التحليلية" الإنزياح". أظهرت النتائج أن ثقافة الجواهری الغنية و هيمنتها علی النصوص الدينية للقرآن ونهج البلاغة و تعارفه فی الأدب القديم و دوائرها المعجمية و النحوية الواسعة هی بعض العوامل التی دفعت الجواهری إلی أساليب مثل التقديم و التأخير، التكرار و استخدام المفردات و التركيبات القديمة لتمييز لغته الشعرية. فإنه يعتزم توجيه ذهن الجمهور إلی الرسائل الداخلية للنص من خلال التركيز علی الرسائل النصية فی شكل عبارات محددة، وجعلهم يفكرون أكثر فی وضع المجتمع و أيضًا للحفاظ علی اسلوبية القصيدة. و هكذا عبّر الجواهری من خلال تقديم مثل هذا الأسلوب، تميز و تحديث شكل التعبير و توجيه القارئ من المعنی السطحی إلی المعنی العميق.

الكلمات الدليلة: الشعر العراقی المعاصر، محمد مهدی الجواهری، الإنزياح اللغویّ- النحویّ.

۱-أستاذ فی فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة شهيد بهشتی
۲-طالبة دكتوراه فی فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة شهيد بهشتی

The Journal of New Critical Arabic Literature
Original Research Article/ Tenth Year, No. 21, Fall and Winter 2021

Exploring the aesthetic elements in the ode *Tartra* by Mohammad Mehdi Javaheri through the syntactic-lexical normative approach

[1]Hojjat Rasooli, Professor, department of Arabic language and literature-Shahid Beheshti University
Seyyedeh Firoozeh Hossaini, Ph. D Student of Arabic language and literature-Shahid Beheshti University

Received: 04-01-2020 Accepted: 05-12-2020

Abstract

The use of various linguistic techniques by poets, with the aim of presenting a magnificent work, is something worth pondering. Many poets have conveyed their feelings and thoughts to the audience to express the problems of the society by using various linguistic stunts. In this regard, the poems by the Iraqi poet Mohammad Mehdi Javaheri are noteworthy in terms of content and structure. But what linguistic tools has Javaheri used to present his ideas? The present study seeks to provide evidence for the syntactic and lexical abnormalities in the poem *Tartra* based on the theory of de-familiarization and through the analytical-descriptive method.The results show that the rich culture of Javaheri, his mastery of the religious texts of the Qur'an and Nahj al-Balaghah, his awareness of ancient literature as well as his wide syntactic vocabulary knowledge are the major factors that have led him to use techniques such as repetition, presentation and delay, making new combinations and using old words to differentiate the language of his poetry. By emphasizing text messages in the form of specific phrases, he intends to guide the audience's mind to the inner messages of the text and to make the readers think more about the situation of the society, thus to preserve the image of the poem. By presenting such a style, he promotes his poems and the novelty of his expression and guides the reader from a superficial meaning to a deep understanding of the meaning.

Keywords: Contemporary Iraqi poetry, Mohammad Mehdi Javaheri, Breach of lexical and syntactic rules.

1 - Corresponding Author Email: h-rasouli@sbu.ac.ir